

مجموعه جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران - ۱

جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران

مرتضی دانا پاک جامی

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی

تهران - ۱۳۹۶

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: دامن پاک جامی، مرتضی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران / تألیف: مرتضی دامن پاک جامی، [به سفارش] اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی [وزارت امور خارجه].
مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۸۱۶-۲
بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه پایان هر فصل.
موضوع: ایران -- روابط خارجی -- تاریخ
Iran -- Foreign Relations -- History
موضوع: ایران -- روابط خارجی -- مقاله ها و خطابه ها
Iran -- Foreign Relations -- History -- Addresses, essays, lectures
موضوع: شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی.
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه، اداره نشر.
رده بندی کنگره: D. R. ۳۴ / د. ۵ ۱۰۸۶
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵
شماره کاتالانسی ملی: ۲۰۱۶۷

مجموعه جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران - ۱

جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران

تألیف: مرتضی دامن پاک جامی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

همانگی امور نشر: بیتا پهرتیان

ویراستار ادبی: نگار خیاخوا

صفحه آرای: سحر حسینی صنعتی

صفحه آرای، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن فاکس: ۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷، تلفن: ۶۶۴۹۰۳۱۵

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۵

بخش اول: مقالات

فصل اول - سرزمین‌های دور، ارتباطات نزدیک: نگاهی به تأثیرات متقابل فرهنگی و تمدنی ایران و اسپانیا.....	۳۱
فصل دوم - روابط تاریخی و فرهنگی ایران و دانمارک.....	۸۵
فصل سوم - روابط خارجی ایران و قدرت‌های جهانی در دوران اشغال ایران در جنگ جهانی دوم.....	۱۱۹
فصل چهارم - تأثیر ارتباطات تاریخی و فرهنگی بر روابط ایران و عمان: بررسی دلایل تاریخی مداخله ایران در ظفار.....	۱۶۳
فصل پنجم - بررسی تحولات روابط تاریخی ایران و ژاپن، با تأکید بر دوره پهلوی اول.....	۲۱۱

بخش دوم: گفتارها

فصل ششم - نگاهی به روابط تاریخی و سیاسی ایران و فرانسه؛ تجربه گذشته، چشم‌انداز آینده.....	۲۳۹
فصل هفتم - نگاهی تاریخی به روابط سیاسی، فرهنگی و بازرگانی ایران و لهستان.....	۲۴۵
فصل هشتم - ایران و تعاملات فرهنگی و تمدنی مسیر راه ابریشم.....	۲۶۱

پیشگفتار

«گذشته چراغ راه آینده است» و «ملتی که تاریخ خود را نداند محکوم به تکرار آن است». این دو جمله که در زبان فارسی زیانزد شده است، بیان گر اهمیت توجه به تاریخ و بررسی سرشت عملکرد گذشتگان است، زیرا توجه به تجربه های گذشتگان می تواند از تکرار راه های ناگوار و خطاهای گذشته جلوگیری کند و آینده ای بهتر را برای ملت ها رقم بزند.

ایران کشوری با سابقه تمدنی باستانی و دارای تاریخ مدون چندین هزار ساله است که همواره در کانون توجه جهانیان بوده و مقصد بسیاری از ارتباطات بین جوامع مختلف بشری بوده است. تصاویر نقش بسته بر کتبه های کاخ آپادانا در تخت جمشید، که فرستادگان ملت ها و اقوام گوناگون از نقاط در و نزدیک جهان را نشان می دهد که هدایای خود را به شاه هخامنشی تقدیم می کنند، نشان از اهمیت و گستردگی ارتباطات جهانی با ایران در هزاران سال قبل دارد. در شرایط کنونی جهان و منطقه، تقویت آگاهی های تاریخی و اطلاع از نقش آفرینی تاریخی و تمدنی ایران به طور عام برای هر شهروند ایرانی علاقه مند به سرنوشت کشور خویش و مخصوصاً برای سر دیپلمات امروز و آینده ایران - که دل بسته منافع ملی ایران و مواجه با احتمال تکرار وقایع تاریخی به اشکال گوناگون و با ابزارهای نوین است - بیش از هر زمان دیگری ضرورت و اهمیت پیدا می کند. در واقع، آگاهی درست و عمیق نسبت به تاریخ جوامع بشری، به ویژه جامعه خود، برای دیپلمات ها - که اداره کننده امور خطیر روابط خارجی کشور و مناسبات بین المللی هستند - از ضروریات اولیه و بنیانی این حرفه محسوب می شود. در تعاملات و مذاکرات بین الدولی،

همیشه تفوق و پیشرفت با دیپلماتی خواهد بود که از تاریخ سیاسی و اجتماعی خود و طرف مذاکره آگاهی کافی داشته باشد. برای دستگاه سیاست خارجی کشوری چون ایران، با سابقه طولانی تاریخ و تمدن و تحولات پر فراز و نشیب روابط خارجی که بر سرنوشت آن تأثیرات عمیق و فراوانی بر جای گذاشته است (و در مقدمه این کتاب به آن خواهیم پرداخت) توجه بخشیدن به مطالعات تاریخی، به‌ویژه تاریخ روابط خارجی ایران در بین کارگزاران این عرصه و جامعه علمی و پژوهشی کشور، یک وظیفه ملی به حساب می‌آید. این امر در دوره تاریخ ۲۰ ساله اخیر ایران، که وقایع و اتفاقات بعضاً ناگوار آن هنوز بر زندگی امروز ایرانیان تأثیر دارد و در دسترس بودن مستندات آنها درک این وقایع برای ما را ملموس‌تر کرده است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

اگرچه نوشته‌های پراکنده و چندین عمیق و مستندی در مورد تاریخ روابط خارجی ایران در دسترس است (که در مهارت برخی از این نوشته‌ها به قلم پژوهشگران علاقه‌مند خارجی به رشته تحریر درآمده است)، اما همچنان کمبودهای فراوانی در این زمینه مشاهده می‌شود. بدین لحاظ، ضرورت تولید و تقویت ادبیات حوزه تاریخ روابط خارجی ایران در سال‌های اخیر یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان، پژوهشگران و پژوهش‌های بین‌المللی بوده است. فصلنامه تاریخ روابط خارجی به عنوان یکی از معدود نشریات علمی فعال در عرصه نشر ادبیات این حوزه- در طول ۲۰ سال گذشته فعالیت مستمری داشته است و تاکنون بیش از ۴۰۰ مقاله علمی را از پژوهشگران داخلی و خارجی در زمینه‌های مختلف تاریخ روابط خارجی ایران از عصر باستان تا دوران معاصر منتشر ساخته است، اما کمبود منابع در این عرصه هنوز بسیار بیشتر از ماحصل تلاشی است که در حال انجام است. خوشبختانه دغدغه‌های موجود در این زمینه و تلاش‌های برخاسته از آن، به اجرای تعدادی طرح پژوهشی در حوزه تاریخ روابط خارجی ایران منتهی گردیده است که نتایج آن به تدریج در اختیار جامعه علمی کشور قرار خواهد گرفت.

با این حال، طرح تدوین مجموعه‌ای منسجم و مبتنی بر ادوار مختلف تاریخ روابط خارجی ایران با استفاده از مقالات منتشره در فصلنامه تاریخ روابط خارجی، به‌عنوان یک

اقدام فوری، فکری نو و قابل توجه بود که از سوی جناب آقای دکتر سجادیور، رئیس محترم مرکز، مطرح و بلافاصله در دستور کار اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی قرار گرفت. گروهی از اساتید و دانشجویان دکتری تاریخ دانشگاه‌های کشور اکنون در حال تدوین و آماده‌سازی این مجموعه با عنوان جستارهایی در تاریخ روابط خارجی ایران هستند که امید می‌رود ظرف ماه‌های آینده بخشی از آن منتشر شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

از سوی دیگر، مسئولیت اینجانب در معاونت پژوهشی مرکز آموزش و پژوهش و موهبت هم‌نشینی و همسایگی با گنجینه‌ای عظیم از اسناد تاریخ روابط خارجی ایران، همچنین آشنایی و ارتباط با جمعی از اساتید و فرهیختگان حوزه تاریخ و سندپژوهی کشور و مصاحبت و مشارکت با آنها در برگزاری نشست‌های علمی و همایش‌ها و میزگردهای مرتبط با تاریخ روابط خارجی، فرصتی را فراهم آورد تا مطالعات تاریخی خود را، به ویژه در حوزه روابط خارجی و تاریخ دیپلماسی ایران، عمق و وسعت بیشتری بخشم. کمبود نیروهای حرفه‌ای و آشنای به این موضوعات در سازمان اداری و علائق شخصی اینجانب به مباحث تاریخی موجب شد که علیرغم مشغله‌های فراوان کاری و دانشگاهی، در بسیاری از موارد برای ارائه مقاله و یا سخنرانی در نشست‌های داخلی و خارجی به تحقیق و کاوش در منابع تاریخی و اسناد آرشیوی، به‌ایز، نتیجه این فعالیت‌های جانبی و پراکنده، چندین مقاله و سخنرانی علمی در طول این دور چند ساله بود که برخی از آنها در رسانه‌ها و نشریات علمی نیز به چاپ رسید. با این حال، به نظر می‌رسید که قرار دادن این تراوشات فکری پراکنده در کتاب حاضر، ضمن ارائه مجموعه‌ای منسجم‌تر به علاقه‌مندان مباحث تاریخ روابط خارجی ایران، می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمدی بر مجموعه جستارهای مورد اشاره نیز تلقی شود.

مجموعه حاضر در دو بخش مقالات و گفتارها تنظیم گردیده است و تحولات روابط خارجی ایران را در زمینه‌های مختلف با کشورهای اسپانیا، دانمارک، عمان، ژاپن، فرانسه، لهستان، همکاری‌های راه ابریشم و روابط خارجی ایران در دوران اشغال در جنگ جهانی دوم در برمی‌گیرد. گرچه طبیعت هر مجموعه مقالات، پراکندگی و عدم ارتباط احتمالی

مطالب است، امید می‌رود مطالب این مجموعه در چهارچوب مباحث کلی‌تر حوزه تاریخ روابط خارجی ایران مورد استفاده و بهره‌برداری علاقه‌مندان قرار گیرد. در نهایت لازم می‌دانم از استاد ارجمند و فرهیخته جناب آقای دکتر سجادیپور - که علاقه ایشان به مطالعات و پژوهش‌های حوزه تاریخ ایران و روابط خارجی را بیش از خود می‌پندارم - به خاطر ایجاد انگیزه و تشویق به انجام این کار و حمایت از انتشار آن صمیمانه سپاس‌گزاری نمایم و از همکارانم در اداره نشر، که در فرصتی کوتاه این کتاب را برای چاپ و انتشار آماده کردند، تشکر کنم.

مرتضی دامن پاک جامی

تهران - فروردین ۱۳۹۶

مقدمه

ایران دیاری شریف است که خداوند عطایای خود را در حق
آن دریغ نکرده است. ساکنین آن مردمانی هوشیار و بی‌پاک
و شایسته آن‌ند که حکومت خوب داشته باشند.

نابلیون بناپارت، نامه به فتح‌علی شاه قاجار، ۱۸۰۵ م.

برقراری ارتباط بین کشورهای^۱ و آن چه امروز دیپلماسی و روابط خارجی نامیده می‌شود، قدمتی به اندازه تشکیل اولین اشغال دلت‌ها و اجتماعات بشری دارد. در واقع، از زمانی که اقوام و ملل دنیا تشکیل اجتماع دادند از کوچ‌نشینی دست برداشتند و در مکان‌های ثابتی ساکن شدند، اشکال اولیه دولت- شهرها را به وجود آوردند و در صدد برآمدند که با تدابیری حدود و نفوذ خود را حفظ کنند، یا به ندرت به قدرت با دیگر سرزمین‌ها برآمدند. بدین ترتیب برقراری ارتباط و استفاده از عنصر مذاکره، نیاز ضرورت پیدا کرد. از این رو نمی‌توان یک مبدأ تاریخی برای روابط بین‌الملل قائل شد. به عبارت دیگر، ریشه‌های دیپلماسی به زمانی برمی‌گردد که اولین قاصدان، پیامهای شفاهی را از یک رئیس قبیله یا یک گروه به رئیس یا گروه دیگری می‌رساندند. چنین پیام‌رسان‌هایی بی‌نهایت مورد احترام بودند و در زمان مأموریتشان هیچگاه مورد کوچکترین آزاری قرار نمی‌گرفتند و از نوعی مصونیت برخوردار بودند. اعزام پیام‌رسانان یا قاصدان به همراه پیام مکتوب، در عصر حاضر به سفارتخانه‌ها و هیأت‌های نمایندگی مبدل شده است.^۱

۱. آدام واتسون، دیپلماسی، ترجمه سید داود آقایی و لیلی گل‌افشان، تهران: نل نیکن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶.

قدیمی‌ترین سند مکتوب دیپلماتیک، نامه‌ای است که بر روی لوحی حک شده است و تاریخ آن حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد است. این نامه از پادشاهی به نام ابلا^۱ در نزدیکی سواحل مدیترانه در منطقه‌ای که می‌توانیم آن را خاورمیانه امروز بنامیم، به پادشاه همازی^۲ (اکنون جزء شمال ایران است) ارسال شده است. نامه را پیکی حمل کرده و مسافتی معادل تقریباً ۲۰۰۰ کیلومتر را پیموده است.^۳ سوابق و کتیبه‌های روزگاران گذشته نشان می‌دهد که در آغاز، دبلوماسية یک ارتباط پراکنده بین دول بسیار مجزا بود؛ مثل پادشاهی فرعون‌ها در مصر باستان و پادشاه هیتی‌ها^۴ که از طریق تجارت و گفت‌وگو پیرامون سرزمین‌های مرزی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند. در یونان باستان نیز در روابط بین ایالت‌های مستقل، به یک نوع سیستم و خطه‌ای دبلوماسية برمی‌خوریم که از آن جمله، مأموریت دیپلماتیک دو نفر از سرداران یونانی برای رفتن به شهر ترا است. در نوشته‌های مورخ معروف یونانی تویسیدید^۵ فصلی راجع به روابط آتن و اسپارت در دولت‌شهر یونان باستان در قرون ۵ و ۶ قبل از میلاد) وجود دارد که در آن جریان مذاکرات ساینده‌گالط^۶ این تشریح شده است. در تاریخ مناسبات بشری برای اولین بار می‌بینیم مذاکرات دو طرفی که تلاش کرده‌اند تا با بیانی شیوا و قوه منطق و استدلال طرف دیگر را مجاب کنند، چه تئوریک و چه واقعی در ایجاد حسن تفاهم بین گروه‌های مخالف داشته است.^۷ رومی‌ها نیز یک سیستم پیشرفته دیپلماتی داشتند. مثلاً دیپلماتی دربار بیزانس یا روم شرقی یک هنر ظریف تلقی می‌شد. پذیرش و باریابی سفرای خارجی مقیم دربار، همیشه همراه با تشریفات بسیار مجلل انجام می‌گرفت.^۸ ایرانیان نیز در

1. Ebla

2. Hamazi

۴. برایان وایت، «دیپلماتی»، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ویراستار جان بیلز، ترجمه گروهی زیر نظر ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: ایران معاصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱۷.

4. Haities.

5. Thucydides.

۶. عبدالحسین معهود انصاری، «تشریفات- پروتکل»، گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماتی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)، به کوشش: امیرسعید الهی، تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماتی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴.

۷. مرتضی دامن‌پاک جامی، دیپلماتی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸، ص ۲۲.

دوران باستان، روشی خاص از دیپلماسی را در رفتار با دیگر ملتها به کار می‌بردند. آنها یونانیان برجسته یا حاکمان کشورهای همسایه مثل پادشاه مقدونی - را به همراه فرستادگان ایرانی برای مذاکره به یک شهر یونانی اعزام می‌کردند. همزمان با نظام‌های یونانی و مقدونی یا خاورمیانه، دو تمدن دیگر آسیایی یعنی هند و چین نیز الگوهای پیچیده‌ای را از ارتباط و اعمال دیپلماتیک اجرا می‌کردند. جالب‌ترین نوشتار درباره دیپلماسی و روابط بین قدرتها در هند باستان، آرتاشاسترا^۱ است. هسته این نظامنامه بزرگ سیاست خارجی، توصیه درباره نحوه اداره جنگ و دیپلماسی و چگونگی تأسیس حکومت جهانی است که توسط کاتیلای وزیر برهمن پس از تهاجم چنگیز به هند تدوین شد.^۲

دوره هزار ساله مودرم به قرون وسطی را از منظر روابط بین‌الملل می‌باید به مثابه یک دوره بی‌روح تلقی کرد. حاکمیت مطلقه کلیسا ارکان مختلف زندگی مردم اروپا و جهان مسیحی، از جمله روابط بین آنها را تحت الشعاع قرار داده بود، گرچه اشکالی از ارتباط بین سایر مراکز تمدنی از جمله بین النهرین، ایران و چین برقرار بوده است. جنگ‌های صلیبی (۱۲۹۱-۱۰۹۵ م.) میان مسیحیان و مسلمانیان، جنگ‌های صد ساله (۱۴۵۳-۱۳۴۰ م.) میان انگلستان و فرانسه، اروپای گرفتار در دوران تاریک قرون وسطایی و تحت حاکمیت کلیسا را برای دگرگونی‌های ژرف در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و علمی آماده ساخت. اروپائیان از طریق ارتباط با مسلمانان، با فلسفه و حاکمیت باستان و تمدن اسلامی آشنا شدند، تجارت بین شهرهای حوزه مدیترانه مثل ونیز و فاریاز با آسیا رونق گرفت و زمینه‌های سفر ماجراجویان و دریانوردان را فراهم ساخت و عصر کشف قاره آمریکا آغاز گردید. از سوی دیگر، کشف قاره آمریکا در سال ۱۴۹۸ م. طلا و ثروت زیادی در دست اروپائیان ساخت و انباشت ثروت، زندگی محقر آنها را دگرگون کرد. علاوه بر این، نهضت ترجمه و صنعت چاپ نیز دو پدیده دیگری بودند که نقش مهمی در نشر اندیشه‌های جدید و دگرگونی علمی ایفا کردند. به این ترتیب عصر نوزایی یا رنسانس در اروپا از اواخر قرن پانزدهم آغاز

1. Artashastra.

گردید و موجب شکوفایی هنری، ادبی، سیاسی و اجتماعی شد. در این میان، معاهدات و استقالاتی ۱۶۴۸م. در پی جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در آلمان (که شکاف و تجزیه امپراتوری مقدس روم-ژرمنی را به همراه داشت) به نماد رنسانس در حوزه روابط بین‌الملل تبدیل گردید.^۱ شاخص عمده دوره پس از وستفاليا پیدایش، رشد و تکوین دولت‌های ملی است که انحصار بازیگری روابط بین‌الملل را به خود اختصاص دادند. اگرچه روش منطق و استدلال رایج دقاعده کردن طرف مقابل تا قرون میانه ابزار اصلی مذاکرات دیپلماتیک به شمار می‌رفت، ایجاد یک طبقه یا کادر مخصوص سیاسی با تشکیلات مشخص برای پیگیری روابط سیاسی این کشورها با آغاز رنسانس و در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی مورد توجه دول اروپایی واقع شد. این موضوع با تشکیل دولت‌ملت‌ها و آغاز روابط بین‌الملل جدید پس از معاهدات وستفاليا شکل جدی‌تری به خود گرفت.

از سوی دیگر، تا قبل از کنگره وین ۱۸۱۵م، آداب و رسوم که در کشورهای اروپایی برای فرستادن و پذیرش نمایندگان سیاسی مراعات می‌شد غالباً از رسوم و تشریفات روزگار امپراتوری روم اقتباس شده بود. اما آن رسوم نیز در اصل اقتباسی از آئین سفارت متداول در ایران قدیم بوده است. به عنوان مثال، مجموعه مصونیت نماینده سیاسی و احترامات مقرر یا خیلی از مزایای دیگر در دربار ایران تدبیر برای فرستادگان کشورهای بیگانه رعایت می‌شد.^۲ در سال ۱۸۱۵ در کنگره وین قدم بزرگی در مسیر تنظیم روابط دیپلماتیک کشورها و تعیین آداب و تشریفات ویژه برای مبادله سفرا و نمایندگان سیاسی برداشته شد. بر طبق یکی از پروتکل‌های این کنگره تصمیم گرفته شد که کشورهای آزاد مستقل دنیا مأمورین خود را به چهار دسته تقسیم کنند: سفرای کبار، وزرای مختار، وزیر مقیم و کاردار. همچنین قرار شد تشکیلاتی بدین منظور ایجاد شود و برای مأموریت‌های سیاسی کادرهای مخصوص تربیت شوند. از آن پس در اغلب کشورهای بزرگ وزارتخانه‌ای

۱. احمد نقیب زاده، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، چاپ دهم، تهران: قومس، ۱۳۹۰، صص ۱۰-۸.

۲. سیدمحمد محیط طباطبایی، «آئین سفارت در دوران باستان»، گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)، به کوشش امیرسعید الهی، تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۹۰، ص ۴۰.

به نام وزارت امور خارجه ایجاد شد. در نتیجه تصمیمات کنگره وین، قواعد و اصولی نیز در باب طرز رفتاری که باید بر طبق آنها با نمایندگان سیاسی مقیم دول خارجی انجام شود، وضع شد. این اصول و قواعد را پروتکل یا تشریفات می‌نامند. دو اصل مهم در پروتکل شامل مصونیت و تقدم و تأخر نمایندگان سیاسی است.^۱ کنگره وین به بسیاری از اختلافات ناشی از حق تقدم و تأخر هم خاتمه بخشیده است. به این معنی که تاریخ تسلیم استوارنامه‌ها مأخذ و ملاک تعیین حق تقدم قرار داده شد.

روابط خارجی ایران در دوران باستان

ایران میراثدار تمدن بسیار بزرگی است و سابقه درخشانی در فرهنگ و تمدن و مدنیت دارد. به همین دلیل، وقتی صحبت از تاریخ روابط بین الملل و ارتباطات خارجی کشورها به میان می‌آید نام ایران در صدر فهرست این کشورها قرار می‌گیرد. هنگامی که اعراب مسلمان در سال ۶۳۶ م. به سرزمین ایران حمله آوردند، این کشور ۱۳ قرن تاریخ مدون را از دوره مادها پشت سر گذاشته بود. بیش از ۲۵۰۰ سال قبل و همزمان با دولت شهرهای یونان، در ایران تمدن بزرگ پارسیان توسط دولت هخامنشی برقرار بوده که نیمی از جهان آن روزگار را تحت حاکمیت خود داشته است. تماس منافع امپراتوری وسیع ایران با دول مجاور و روابط دائمی جنگ و صلح مابین ایشان سبب شد که از ایام باستان این کشور همواره با همسایگان و سایر دول قاطعاً و مستقیم رابطه سیاسی داشته باشد. بنابراین هرگاه لازم می‌شد، شاه شخصی سختور و زبان‌آر را که از سران برجسته کشور و نزدیکان خود را به عنوان سفیر و نماینده ویژه برای حل و فصل موضوع به کشوری دیگر اعزام می‌کرد.^۲

دیپلماسی ایران در زمان هخامنشیان بسیار قوی و مهم بود. دیپلمات‌های ایرانی در آن روزگار توانسته بودند با رجال سیاسی کشورهای بزرگ چون یونان و روم رابطه‌های

۱. مسعود انصاری، همان، ص ۱۰۵.

۲. احمد توکلی، «تاریخچه وزارت امور خارجه و اولین اسامه آن»، گوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)، به کوشش: امیرعبید الهی، تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱.

محرم‌نامه پیدا کنند و نفوذ زیادی در روحیه و احساسات آنها داشته باشند. سلاطین ایران قبل از آغاز هر جنگ، از طریق دیپلماسی سعی می‌کردند احساسات و علاقه اهالی کشور دشمن را به نیت خود جلب نمایند و برای انجام این منظور قبلاً سفرایی به شهرهای آن کشور می‌فرستادند.^۱ داریوش اول قبل از آنکه به یونان حمله کند، می‌خواست اهالی آن کشور را از عواقب و نتایج وخیم و شوم جنگ آگاه سازد و بدین وسیله حتی لامکان از خونریزی و اغتشاش جلوگیری کند. برای این منظور دو نفر از محارم خود را به سفارت نزد بزرگان آن قوم فرستاد اما اسپارته‌ها، که بخشی از یونان را تشکیل می‌دادند، غافل از آنکه جان یک سفیر مقدس است، آنها را دستگیر کرده و به بدترین وضعی بدقتل رساندند.

در دوره سلطنت اشکانی به تاریخ روابط ایران با دولت بزرگ روم توسعه پیدا کرد و فرستادن سفرا برای رفع اختلافات زیاده‌تر شد. این موضوع به قدری نزد سلاطین پارت اهمیت پیدا کرد که نزدیک‌ترین کسان خود را نزد قیصر روم مأمور می‌کردند. در این دوران، یکی از بزرگ‌ترین افتخارات امپراتورهای روم جنگ با ایران بوده است. هر مرتبه که سلاطین روم آماده حمله می‌گردیدند، شاه ایران برای از محارم و نزدیکان خود نزد آنها می‌فرستاد تا رومی‌ها را از عواقب وخیم جنگ آگاه سازند و بر اتحاد و تشریک مساعی در حفظ امنیت و خدمت به عالم بشریت به عنوان بهترین روش برای بقای صلح و سعادت دو کشور و ملت تأکید نمایند؛ مثل اعزام واسگس سفیر اعزامی اشکانی به یزدگرد پادشاه اشکانی به نزد کراسوس سردار رومی یا اعزام سفیر شاپور اول به دربار ریانس امپراتور روم.^۲ در همین حال، شکوه و عظمت ایران در دوره ساسانی باعث شده بود که این کشور در مرکز ارتباطات و مبادلات ملت‌های شرق و غرب عالم قرار گیرد. روم، چین و هند که دولت‌های متمدن آن روزگار به شمار می‌رفتند، همسایه‌های ایران محسوب می‌شدند و با

۱. حسین قدس نخمی، "سفرا و سفارت در ایران باستان"، *مکثه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)*، به کوشش: امیرسعید الهی، تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۲۹.

ایران مرزهای مشترک داشتند و داد و ستد آنها غیر از ایران از طریق دیگری نمی‌توانست صورت بگیرد. بنابراین، نظارت جاده ابریشم کاملاً در دست دولت ساسانی قرار داشت.^۱

روابط خارجی ایران: از ورود اعراب تا صفویه

حمله اعراب مسلمان به ایران که منجر به سقوط امپراتوری ساسانی گردید، به فرمانروایی ایرانیان در آسیای جنوب غربی از رود سند تا مدیترانه - خاتمه داد. در دوران پس از ظهور اسلام، پیوند میان استعداد و داشته‌های تمدنی ایران و آموزش‌ها و تعلیم اسلامی در آفرینش و بسط تمدن اسلامی نقش ممتازی را ایفا کرد. ورود اسلام به ایران بی‌شک یکی از مهم‌ترین ریزش‌های سیاسی و تاریخی - فرهنگی ایران بوده است. این ورود به هیچ روی بیادنی نیست. کامل با گذشته نبود و اسلام در ایران زمینه‌ای بسیار مناسب و غنی برای باروری و رسوخ و توسعه پیدا کرد.^۲ در واقع، ایرانیان در دین تازه تمام فرایافتهایی را دیدند که از قبل با آنها آشنا نبودند. محمد آدم و حوا، زندگی پس از مرگ، ظهور موعود، رستاخیز، داوری نهایی، بهشت و جهنم، دوزخ و عذرها و غیره. با این حال، علی‌رغم آنکه ایرانیان دین جدید را پذیرفتند، سلطه اعراب را نپذیرفتند. به تعبیر حسن بن هیکل، ایران به ایدئولوژی اسلام آری گفت، اما به اعراب نه گفت.^۳ این اختلاط فرهنگی، فرهنگ و تمدن جدیدی به نام تمدن ایرانی - اسلامی به وجود آمد که به سده ۱۴ قرن به هویت ملی ایرانیان و نوع نگرش آنها به جهان و رفتار اجتماعی و سیاسی آنها جهت داد. به همین دلیل، وقتی صفویه به دلایل سیاسی تصمیم گرفت مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام کند، جز در میان پاره‌ای از اقوام مرزن‌نشین با مشکل روبرو نشد.^۴

۱. حق‌نظر نظراف، نقش ایرانیان و تاجیکان در تاریخ و فرهنگ جهان، ترجمه مهین السادات صمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸.

۲. عبدالحسین زرین‌کوب، آشنایی با تاریخ ایران، تهران: سخن، ۱۳۸۵، ص ۲۳.

۳. شجاع‌الدین شفا، فرهنگ‌نامه جهان ایران شناسی (جلد اول)، ایران و آسیای، ترجمه مهدی سمسار، تهران: نشر فرزاد، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲.

۴. احمد نقیب‌زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴.

با این حال، تا هنگامی که دستگاه خلافت بنی‌عباس در بغداد دایر بود و جنگ‌های صلیبی (۱۲۹۱-۱۰۹۶ م.) به مدت بیش از ۲۰۰ سال استمرار داشت، روابط شرق و غرب آشفته بود و رفت و آمد میان این دو بخش از جهان و دربارهای آسیا و اروپا ممکن نبوده است. در واقع، از سال ۶۵۱ م. که یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی در مرو به قتل رسید، تا سال ۱۵۰۱ م. که شاه اسماعیل صفوی در تبریز به تخت نشست، ایران از داشتن استقلال، وحدت ملی و تمامیتی ارضی، همانند دوران شکوفایی تمدن ایرانی عصر هخامنشی و اشکانی و ساسانی، محروم بود و غالباً تحت سلطه و نفوذ خلفای دمشق و بغداد، امرای دست‌نشان، محلی یا سلاطین بیگانه‌ای مثل ایلخانی و تیموری به سر می‌برد. برخی نویسندگان، این دوره هشتصد و پنجاه ساله را از لحاظ روابط خارجی به سه مرحله تقسیم کرده‌اند.^۱

دوره تسلط اعراب (۶۵۱-۲۰ م.) که ایران تحت سلطه سیاسی و مذهبی فاتحان مسلمان در آمده بود و قسمتی از امپراتوری بزرگ اسلامی را تشکیل می‌داد، در این دوره خلفای اموی و عباسی سعی داشتند آثار تمدن کهن سال ایرانی را نابود و زبان و فرهنگ عرب را جایگزین آن سازند، به طوری که به مدت هفتاد سال نوشتن و حتی تکلم به زبان فارسی ممنوع بود و مجازات سنگینی داشت.

دوران امیران و پادشاهان محلی (۲۰۵-۶۵۶ ق. / ۸۰۰-۱۲۵۰ م.): در این دوران به تدریج حکمرانان و سلسله‌های ایرانی در ایالات مختلف سر بر آوردند که به نام و به فرمان خلفای بغدادی حکومت می‌کردند ولی همواره سعی داشتند خود را از دست سلطه خلافت خارج سازند (از جمله سلسله طاهریان در خراسان و ماوراءالنهر تا صفاریان، سامانیان، دیلمیان و سپس پادشاهان ترک‌نژاد غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهیان). به همین دلیل، در این دوره چند بار پادشاهان ایرانی توانستند بغداد را تسخیر و خلفا را دست‌نشانده خود سازند. در تمام مدت این دوره، ایران با کشورهای خارجی رابطه سیاسی و بازرگانی مستقلی نداشت و ارتباطات با دیگر نقاط جهان در امپراتوری اسلامی و جهان مسیحیت از

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، جلد اول، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

طریق دستگاه خلافت انجام می‌گرفت. ضمن آنکه در اروپا نیز پس از سقوط امپراتوری روم و هجوم قبایل هون و بربر به حدود حاکمیت امپراتوری و تحکیم تدریجی سلطه بلامنازع کلیسا، دوران تاریک قرون وسطا و ملوک الطوائفی آغاز شد. در این دوره، اختلافات سیاسی و مذهبی بین دول اروپایی و جنگ‌های صلیبی به اروپاییان فرصت نمی‌داد که اساساً به امور سیاست خارجی و بازرگانی خاصه با کشورهای آسیایی توجه کنند. تا آنجا که سواحل شرقی دریای مدیترانه نقطه تماس نهایی بازار تجارت اروپا با جهان اسلام در زمان خلافت عباسی بود.

دوران سلط مغولان و تاتاران (۹۰۷-۶۵۶ ق. / ۱۵۰۲-۱۲۵۸ م.): با هجوم مغولان به ایران از آسیای مرکزی این کشور برای دومین بار در دوران حیات پس از عصر درخشان امپراتوری‌های باستان، در معرض قتل و غارت و اشغال اقوام دیگر (این بار از شرق) قرار گرفت. هنگامی که در سال ۶۵۸ م. ه. بوخان مغول بغداد را تصرف کرد و آخرین خلیفه عباسی را به قتل رساند، به سلطنت عباسی و ظاهری خلفا در ایران نیز خاتمه داده شد.

با استیلای ایلخانان بر بخش‌های عمده‌ی آسیای غربی و مرکزی و در چهارچوب سیاست تسامح و تساهل مذهبی حاکمان مغول، پای میسیونرها و مبلغان مسیحی نیز به کشورهای مختلف آسیایی از جمله ایران باز شد. از طرف دیگر، سقوط خلافت عباسیان، علی‌رغم ایجاد ترس از هجوم مغولان به سمت غرب، اروپاییان را به فکر ایجاد روابط سیاسی و بازرگانی با فاتحان جدید سرزمین‌های شرقی تحت تأثیر به این وسیله آنان را از فکر هجوم به اروپا باز دارند. به همین جهت، امپراتوران روم شرقی (بیزانس)، پاپ‌های روم و سایر سلاطین اروپایی سفیران متعددی به دربار جانشینان چنگ فرستادند و بدین وسیله پای بازرگانان و جهانگردان اروپایی و مبلغین مسیحی به خاک ایران باز شد. این وضع حتی هنگامی که تیمورلنگ و قبایل تاتار ایران را اشغال و سلسله تیموری را تأسیس کردند یا زمانی که در نتیجه ضعف تیموریان، در اوایل قرن پانزدهم، ایران میدان نزاع یکصد ساله دو قبیله ترکمن شیعی آق قویونلو و قره قویونلو قرار گرفت، ادامه یافت؛ از آن جمله سفر کلاویخو فرستاده پادشاه کاستیل و لئون به دربار تیمورلنگ در سال ۱۴۰۳ و

فرستاده‌های متعدد پادشاهان اروپایی به دربار اوزن حسن قابل اشاره‌اند. مقارن این احوال - که ایران به دلیل نزاع بین قبایل ترکمن در غرب و بازماندگان خاندان تیموری و ازبک‌ها در شرق در آستانه سقوط و تجزیه قرار گرفته بود - دو تحول مهم دیگر نیز در همسایگی کشور شرایط را بیش از هر زمان دیگری برای تجزیه کامل ایران فراهم نموده بود: ۱. ظهور ترکان عثمانی در شمال غرب ایران که با فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳م. خود را وارث خلافت اسلامی دانستند و با استفاده از سلاح مذهب نقشه تصرف کلیه کشورهای اسلامی از جمله ایران را در سر می‌پروراندند. ۲. ورود دریانوردان پرتغالی به هندوستان و خلیج فارس، که به قصد جستجوی مستعمرات و سرزمین‌های جدید، جزایر و بنادر ایران در سواحل خلیج فارس، یمن، پس از دیگری تصرف می‌کردند. آلبوکرک دریاسالار پرتغالی توانست در سال ۱۵۰۷م. جزیره هرمز در مدخل خلیج فارس و بندر گمبرون واقع در سواحل جنوبی ایران را تصرف کند و تا بصره پیش برود. به این ترتیب، ایران از دو طرف در خطر اضمحلال و نابودی قرار گرفت.^۱

در شرایطی که استقلال ایران به عنوان یک هویت تاریخی از هر طرف مورد تهدید قرار گرفته بود، اسماعیل میرزا فرزند شیخ حیدر از خاندان شیخ صفی الدین اردبیلی، عالم و روحانی بزرگ شیعه و نوه دختری اوزن حسن سلطان آق‌قویونلو، علیه امیران بیگانه و مهاجمین خارجی قیام کرد و توانست پس از ۱۶ سال جنگ و استقامت استقلال و تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران را تأمین و بعد از حدود ۹ قرن از سقوط میانجی‌گری ساسانیان، یک دولت فراگیر و مستقل ایرانی تأسیس کند. شاه اسماعیل پس از تأمین وحدت و استقلال ایران متوجه خطر بزرگی شد که از جانب ترکان عثمانی کشور را تهدید می‌کرد. ولی او و جانشینانش با اجرای یک سیاست عاقلانه توانستند این خطر را دفع کنند؛ به این معنی که اولاً با تقویت نفوذ مذهب شیعه و رسمیت بخشیدن به آن در سراسر کشور،

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، "سفرای ایران پیش از تأسیس نمایندگی‌های دائمی"، "مکوشه‌هایی از تاریخ دیپلماسی ایران (گزیده‌ای از مقالات نشریه وزارت امور خارجه)، به کوشش: امیرسعید الهی، تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۹۰، ص ۶۶.

جنگ‌های میهنی را به صورت جنگ مذهبی و جهاد درآورند و به آن جایگاه سیاسی بخشیدند. ثانیاً با برخی از کشورهای اروپایی که با عثمانی‌ها در حال جنگ بودند مناسبات دوستانه برقرار و در مقابل دشمن مشترک صف‌آرایی کردند. این دو رویکرد، اساس سیاست خارجی صفویه را طی مدت دو قرن تشکیل می‌داد.^۱ براساس این سیاست، شاه اسماعیل ابتدا با پرتغالی‌ها از در اتحاد و صلح درآمد و در سال ۱۵۱۴م. قراردادی با آلبوکرک منعقد کرد که به موجب آن، در مقابل واگذاری جزیره هرمز و بندر گمبرون به پرتغالی‌ها، کمک نظامی در جنگ علیه عثمانی‌ها را دریافت کرد.

تلاش‌های شاه اسماعیل و شاه طهماسب از ۱۵۰۱م. تا ظهور شاه عباس اول برای بازسازی شوه عظمت، پیرینه ایران و تشکیل اولین دولت مستقل ملی پس از حمله اعراب، حدود یکصد سال به طول انجامید. از دوران شاه عباس اول بود که ایران در کانون توجه سلاطین اروپایی و دربار پاپ قرار گرفت و با اعزام هیأت‌های سیاسی و بازرگانی و مبادله نامه بین دربار صومای و کشورهای اروپایی، روابط سیاسی و بازرگانی ایران با دول خارجی به صورت مناسباتی درآمد. در این دوره، روند ارتباط با دربار شاهان اروپایی با هدف اتحاد علیه عثمانی افزایش یافت و دربار صفویه -علاوه بر پذیرش هیأت‌های میسیونری، دیپلماتیک و تجاری -تراوان از کشورهای مختلف اروپا- سفرایی را نیز با اهداف سیاسی- تجاری به اروپا اعزام کرد. از آن جمله اعزام سر آنتونی شرلی به همراهی یکی از سرداران قزلباش به نام حسینعلی بیگ -که ۳۰ نفره به دربار پاپ و سلاطین اروپایی در سال ۱۵۹۹ با هدف برقراری روابط سیاسی و انعقاد پیمان اتحاد علیه عثمانی بود. در طول مسافرت این هیأت، که تقریباً به تمام کشورهای اروپایی آن زمان انجام شد، هیچ گونه سند سیاسی و پیمان اتحادی امضا نشد و طرفین فقط به مبادله تعارفات و تبادل نامه‌های دوستانه اکتفا کردند، ولی این سفر به هر حال مقدمه‌ای برای توسعه روابط سیاسی بین ایران و دول غربی بود، به طوری که پس از آن پاپ و دولت‌های انگلستان، اسپانیا، هلند و روسیه سفرایی را به دربار ایران فرستادند.